

کولبرها از چه نقاطی عبور می‌کنند و با چه خطراتی مواجه هستند؟

رنج بار در گردنه کوه‌ها

آزاده باقری

روزنامه‌نگار

نمی‌توان به آن عنوان شغل داد؛ اما کولبری پیشه‌ای است که این روزها از سر بیکاری و نبود شغل در مرزها، بسیاری از جوان‌ها، نوجوان‌ها و حتی کسانی که پا به سن گذاشته‌اند را به آن واداشته تا از گرده خود کار بکشند و به قول معروف جان‌شان را کف دست‌شان بگذارند و بزنند به دل کوه و دره به امید آن که باری را از مرز حتی اگر عنوان قاچاق هم به آن زده شود عبور دهند و با خود به این سوی مرز بیاورند تا بابت این حمل دشوار دستمزد دریافت کنند.

چند سالی است که به دلیل وجود فضای مجازی بسیاری از مردم می‌دانند اهالی مرز غربی کشور برای امرار معاش تن به کولبری می‌دهند. این در حالی است که قدمت این کار به همین چند سال اخیر ختم نمی‌شود و از آنجا که معمولاً آمار بیکاری در این بخش از کشور بسیار بالاست، از این طریق سال‌هاست تلاش می‌کنند تا روزی به سر سفره خود و خانواده‌شان ببرند.

کالاها و افزایش سودهای کلان برای صاحبان بار است.

نبود زیرساخت‌های اقتصادی، عدم سرمایه‌گذاری، تبعیض در اختصاص درآمدهای ملی به برخی استان‌ها، نبود برنامه‌های درازمدت در جهت ایجاد اشتغال پایدار، ملاحظات سیاسی نسبت به مناطق مرزی غرب کشور و... از جمله دلایلی است که بسیاری از صاحبانظران بر آن تاکید داشته و معتقدند چنین پدیده‌ای به این دلیل شکل گرفته و هر روز به آن دامن زده است.

اما چه استان‌هایی درگیر کولبری هستند و بارهای گوناگون را از مناطق کوهستانی و صعب‌العبور که برخی از این مناطق در میان خودشان به «دره مرگ» شناخته می‌شود، می‌گذرانند؟ متأسفانه تمام استان‌های غربی کشور با کولبری مواجه‌اند؛ چون با بررسی شاخص بیکاری متوجه خواهید شد این استان‌ها در مقایسه با سایر استان‌های کشور دارای بیشترین شاخص بیکاری هستند. استان‌های آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه و ایلام از جمله این استان‌هاست.

استان‌های کوهستانی که کوه‌هایش در بیشتر روزهای سال برفی است و خطر احتمال ریزش کوه، بهمن و بارش برف، رگبار، توفان و... نیز در آن بسیار است. مردم این استان‌ها که معمولاً در روستاها و شهرهای کوچک زندگی می‌کنند برای امرار معاش چاره‌ای ندارند جز این که سراغ کولبری در این کوهستان بروند.

**۱۵ کیلومتر حمل بار ۴۰ کیلوگرمی
برای ۶۰۰ هزار تومان**

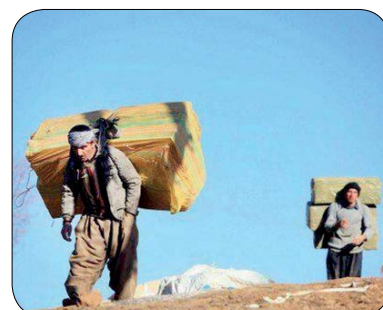
آمارها نشان می‌دهد بیشتر کولبران در شهرهای ماکو و آشنویه در استان آذربایجان غربی، پیرانشهر، اورامان، سقز، بانه و مریوان در استان کردستان و نوسود و پاره در استان کرمانشاه هستند که یکی از دشوارترین و سخت‌عبورترین مسیرهای کوهستانی

کار کولبری هم کار ساده‌ای نیست؛ از گذاشتن بار سنگین روی دوش شروع می‌شود و به گذر از مناطق صعب‌العبور کوهستانی می‌رسد و تحمل سرمای طاقت‌فرسا و خطر پرت شدن و افتادن‌ها و رفتن روی مین و گرفتار شدن به دست ماموران مرزی و... را هم باید به آن اضافه کرد.

برای همین هم هر از چندگاهی تلخ‌ترین خبرهایی که از شهرهای غربی به گوش می‌رسد ماجرای کولبرانی است که در این منطقه دچار آسیب و حتی مرگ شده‌اند. مرگ‌های دردناکی که قلب هر انسانی را به درد می‌آورد و این سؤال را به وجود می‌آورد چرا فکری برای اشتغال و کار جوانان استان‌های غربی کشور نمی‌شود که بیشترین تعداد کولبر را به خود اختصاص داده است. جوان‌هایی که بعضاً با وجود توانایی‌های بسیار و تحصیلات بالا اما به دلیل نداشتن شغل مناسب به این شغل کاذب که با جان آنها سر و کار دارد تن می‌دهند.

**وقتی از کولبری حرف می‌زنیم
از چه حرف می‌زنیم؟**

جای تأسف دارد که بگوییم بخش اعظمی از اقتصاد مردم مرز و گذران معیشت بسیاری از روستاها و شهرهای مرزی غرب کشور با کولبری می‌گذرد، اما کولبری چیست؟ یک تعریف ساده از کولبری، دور زدن موانع قانونی از طریق میانبرهای مرزی به مثابه پلی برای کاهش هزینه ترانزیت



کولاک و برف و باران و توفان گیر نکنند و ناغافل پایشان روی مینی که از زمان جنگ در آنجا جابخش کرده است، نرود...

از آنجا که کولبری یک شغل کاذب است برای همین هم مشخص نیست چه تعداد کولبر در مرزهای غربی کشور در حال کار و حمل بار هستند. اما طبق برآوردها این تعداد به ۱۷۰ هزار نفر می‌رسد که معمولاً سن آنها می‌تواند از هفت سالگی تا ۷۰ سالگی برسد که بسته به توان و نیازشان مجبور به کاری هستند که ممکن است آسیب‌های بسیاری را به همراه داشته باشد؛ آسیب‌هایی مانند نقص عضو، قطع عضو، دیسک کمر و گردن و پیری زودرس و آسیب‌های دیگری که ممکن است به دلیل حمل بار، جسم را با خود درگیر کند.

فشار معیشتی که بر دوش مردم غرب کشور سنگینی می‌کند و آنقدر تحملش دشوار است که آنها را بر آن می‌دارد تا فشار بارهایی را که در برخی موارد با وزن خودشان برابری می‌کند تحمل کنند و سختی‌ها و خطراتی را که با جان آنها سر و کار دارد هم به ناچار بپذیرند به این امید که فشار بار معیشت از روی دوش‌شان کم شود که نمی‌شود.

را کوه‌های این مناطق دارند و کولبران برای عبور از مرز چاره‌ای ندارند جز آن که از این مکان‌ها عبور کرده و بابت هر حمل بار مبلغی دستمزد عایدشان شود.

حمل بار با وزن زیاد در مسیری که صاف است و بدون هیچ مانع و سربالایی و سرپایی باز هم دشوار خواهد بود. حالا تصور کنید قرار باشد چنین باری را در یک مسیر دشوار حمل کرد. مسافت‌ها برای کولبران متفاوت است، اما هیچ‌کدام ساده نیست. تصور کنید کولبری مجبور باشد باری را که مثلاً ۴۰ کیلوگرم وزن دارد را در چنین مسیری بر روی دوش حمل کرده که بابت آن قرار است نهایت ۶۰۰ هزار تومان دریافت کند؛ مسیری که ممکن است ۱۵ کیلومتر باشد و برای عبور از این مسیر چیزی نزدیک به پنج ساعت باید این بار را روی دوش داشت و از تمام موانع و سنگ‌ها و سربالایی‌ها و سرپایینی‌ها آن هم در سرمای استخوان‌سوز کوهستان که در بسیاری از مواقع به منفی صفر هم می‌رسد عبور کرد که اگر شانس بیاورند از صخره‌ای سقوط نکنند، زیر پایشان خالی نشود، سنگ و برفی روی سرشان آوار نشود، در

